

پژوهش در حقوق امنیت ملی: مبناها و کاربردها

نادر ساعد^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۵/۴

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره یازدهم - تابستان ۱۳۹۰

چکیده

حقوق امنیت ملی مجموعه موازین و هنجارهای ناظر بر تعریف و تعیین ابعاد، اهداف، مرجع، بایسته‌ها و چارچوب‌های نکوهیده و در نهایت حقوق و تکالیف دولت و ملت در این ارتباط و نحوه تضمین رعایت این چارچوب‌هاست. اینکه چگونه می‌توان امنیت ملی را قانونمند کرد و در قالب ضوابط مورد تعریف، اجرا و دفاع قرار داد، دل‌مشغولی اساسی این حوزه مطالعاتی است. دو قرن از گرایش دولت‌ها به تدوین مجموعه واحد یا متکثر از «قانون امنیت ملی» و تصویب آنها در مجالس قانون‌گذاری می‌گذرد. امروز شرح و تفسیر رابطه حقوق (مجموعه موازین موضوعه) با امنیت ملی در گسترده‌ترین معنای آن، خود روش و چارچوب پژوهش بین‌رشته‌ای است و برای آشنایی بیشتر نهادها و مراجع کشورمان با آن، این نوشتار به بررسی و تبیین عمده‌ترین محورهای آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی

حقوق امنیت ملی، امنیت انسانی، امنیت عمومی، امنیت فردی، امنیت نظامی، امنیت سلبی، امنیت ایجابی، امنیت نرم، امنیت سخت



مقدمه

اجتماع، بستر روابط جمعی و همزیستی طبیعی و فطری موجودات انسانی است و تمام روابط میان انسان‌ها در این گستره شکل می‌گیرد^۱ و به منصفه ظهور می‌رسد. مسیر تعالی و حرکت به کمال انسانی نیز در عین دنیای درونی هر یک از آنها، از همین مسیر میگذرد. در این چارچوب نه تنها ساختار تعاملات اجتماعی و مراودات متقابل انسانی قالب‌بندی میشود بلکه تأمین نیازهای همگانی و تحرک تدریجی به سوی کمال و تعالی، این مراودات را جهت می‌بخشد. در این میان، قابلیت‌ها و ظرفیتهای^۲ اجتماعی انسان و سایر اعضای آن به گونه‌ای است که مجموعه‌ای از عناصر به ظاهر متعارض را در دل خود جای داده و همساز کرده است. روابط یا کنش‌های متقابل به شکل‌گیری فراز و فرود در ساختار اجتماعی و بافت نهادهای آن می‌انجامد (سلسله‌مراتب که از دسته‌بندی مناسبات متقابل اعضای یک گروه محدود شروع و به شکل‌گیری گروه‌های فرازین و فرودین^۳ در جامعه سیاسی^۴ منتهی می‌شود) و اعضای انسانی این اجتماعات نیز نوعی اولویت در ساخت روابط جمعی را به نفع نهادهای عمومی به ویژه حاکمیتی^۵ پذیرا می‌شوند که بر اساس آن، فرمانروایی و اختیار اعمال اقتدار بر عموم (یا مسئولیت خدمت‌گذاری به شهروندان) بر دوش برخی اعضای همین اجتماع قرار می‌گیرد. با این حال، این اجتماع مبتنی بر مناسبات نامتوازن قدرت، برابری در شکل‌گیری هنجارها و بایسته‌های عمومی و لزوم همسازی همه آنها با این هنجارها را به عنوان بنیاد التزامشان به طی مداوم مسیر تعالی جست‌وجو می‌کند. (نک: برن، ۱۳۵۳: ۳۰-۲۷). برای حرکت عادی یک اجتماع، امنیت شرط لازم تلقی می‌شود. این ضرورت و نیاز به امنیت نه تنها برگرفته از وضعیت چفت و بست روابط اجتماعی (عناصر درون‌جمعی) است بلکه در مناسبات و مراودات اجتماعات و واحدهای دارای هویت حقوقی با یکدیگر نیز جلوه‌ای ویژه دارد، به گونه‌ای که از زمان شکل‌گیری دولت در قرن هجدهم به بعد، عمده‌ترین محورهای برنامه‌ریزی دولت‌ها برای تأمین و تضمین امنیت بر پایه امنیت در روابط خارجی استوار شده است و از رهگذر راهبردهای امنیتی، با

۱- به همین دلیل گفته میشود روابط اجتماعی، ضرورتاً مبتنی بر «برهم کنش» میان اعضاست، به گونه‌ای که هر رابطه اجتماعی، جزئی از روابط گسترده متقابل اجتماعی است.

2. Capabilities
3. Superiors and Inferiors
4. Political Community
5. Governmental Bodies



تمرکز یا توجهی خاص به امنیت در مناسبات بین‌المللی، در جست‌وجوی تأمین و تضمین امنیت ملی خویش برآمده‌اند.

در هر حال، نیاز به امنیت به مثابه بالاترین و اساسی‌ترین نیاز هر اجتماع تلقی می‌شود که هم قبل و هم بعد از مایحتاج اولیه زندگی، موضوعیت می‌یابد. با اینکه در مورد درک و شناسایی این نیازمندی‌ها نوعی وفاق نظر میان دولت‌ها و اندیشه‌ورزان وجود دارد، نوع و سطح نیازهای امنیتی نه تنها بسته به مورد و زمان، متنوع و متفاوت بلکه پویا و متحرک است، بلکه ساختاربنندی دقیق مفهوم امنیت و منافع امنیتی نیز همواره امری دشوار بوده است. حقوق امنیت ملی روشی سازمان‌یافته برای ساختاربنندی دقیق امنیت و سازه‌های آن و هم‌چنین تعیین سهم حقوق و مسئولیت‌های اعضای حقیقی و حقوقی اجتماع در این راستاست. در این نوشتار به منظور تبیین حقوق امنیت ملی به ابعاد مفهومی، مبانی و منابع و هم‌چنین اهداف و چارچوب‌های اساسی آن خواهیم پرداخت. شایان ذکر است در این خصوص نکات متعددی وجود دارد که این مقاله تنها به محورهای کلان و شناختی آن خواهد پرداخت. متعاقب این مطالعه کلان می‌توان به تفصیل حقوق امنیت ملی را در محتوا، آموزش، کاربرد در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی و هم‌چنین در بررسی‌های تاریخی و مقایسه‌ای گنجاند.

۱. امنیت از سازه‌های سخت قدیم تا مؤلفه‌های نرم نوین

با تأملی جامعه‌شناختی بر پدیدارها، تحول و تطور در آنها به صورت یک اصل جلوه‌گر می‌شود. امنیت که ناظر بر سامان دادن اجتماع بر مدار حیات طبیعی و متکامل است، به تبع عناصر و پدیدارهای اجتماع و عناصر و اجزای آن، روندی متضمن دگرگونی و تطور را پذیراست. این دگرگونی‌ها را می‌توان به شیوه‌های مختلف طبقه‌بندی و مطالعه کرد. با تکیه بر مرجعیت امنیت می‌توان گفت تاکنون دو دوره مهم تغییر و تحول مفهوم امنیت در ادبیات حقوقی و امنیتی به منصفه ظهور رسیده و به تناسب همین تحول، عرصه‌ها و مقوله‌های اصلی تشکیل‌دهنده ابعاد امنیت دگرگونی یافته است.

الف) از بنیادهای زمامداری تا انسانی شدن امنیت

تا قبل از خاتمه جنگ سرد، امنیت تنها حول و حوش توانمندیهای نظامی سیر می‌کرد و مرادف امور نظامی بود. در این چارچوب «امنیت ملی شامل دفاع

ملی و روابط خارجی است و شرایط موجد مزیت نظامی و دفاعی بر ملت یا گروه‌های خارجی، وضعیت روابط خارجی مطلوب یا چشم‌انداز دفاعی قادر به مقاومت موفقیت آمیز در برابر اقدام خصمانه یا مخرب آشکار یا مخفیانه داخلی یا خارجی را توصیف می‌کند» (US Dep. of Defense, 2003). این همان مفهوم سنتی و محدود از امنیت ملی است که به وسیله عرصه‌هایی جدید تکمیل شده است. دوره دوم، ظهور مفهوم انسان در تعریف و تعیین مرجع امنیت است. امروز متأثر از ادبیات و تئوری حقوق بشر و همچنین فراگیر شدن سازوکارهای مدنی و فناوری ابزار وجود افراد انسانی در مجموعه‌های امنیتی (برای بررسی بیشتر نک: صدوقی، ۱۳۸۲) امنیت نیز از نظر مرجع، بر پایه انسان و نیازمندی‌های او بنا شده و از نظر موضوعی، امنیت نرم به تکمیل امنیت سخت پرداخته است. این فراز از تحول مذکور، همه بنیادها و محورهای گفتمان‌های گذشته امنیت ملی را دگرگون ساخته و موقعیت و ارزش حاکمیت‌ها را از «تولید قدرت و صلاحیت یا اقتدار» به «ایجاد تعهد و مسئولیت» تبدیل کرده است.

حقوق امنیت ملی معاصر تشریح متوازن این تعهد و مسئولیت در مناسبات متقابل حکومت و ملت است. در واقع، امروز حقوق ملت از حقوق زمامداری تقدم و اولویت یافته و در مورد حوزه اخیر، «حقوق» به «مسئولیت‌ها» تبدیل شده است. برای تعریف و صیانت از امنیت، اتکای صرف به مجاری و سازوکارهای سیاسی ممکن نیست بلکه در جامعه امن مبتنی بر حاکمیت قانون باید ظرفیت‌های حقوقی به عنوان اساس تلقی شود. «به کارگیری سیاست و امنیت بدون حقوق، ضعفی بزرگ و غیرقابل اغماض خواهد بود» (ساعد، ۱۳۸۷: ۱۵). بر این اساس، می‌توان مجموعه انعکاس‌ها و پرتوهای امنیت را بر پایه شاخص‌ها و عناصر تفکیک‌کننده و ماهیت‌شناسی آنها به صورت زیر ارائه کرد: امنیت منفی (سلبی) و مثبت (ایجابی)؛ امنیت نظامی و غیرنظامی، امنیت ملی و فرو/فراملی؛ امنیت فرادستی و فرودستی؛ امنیت عمومی (همگانی)^۱ و غیرعمومی (فردی و گروهی)؛ و امنیت حقوقی و غیرحقوقی.

دوران معاصر که با نموداری طلیعه هزاره سوم همراه بوده است، جلوه‌هایی نوین^۲ و حتی پسانوین^۳ از این نیاز را به اقتضای بدیع بودن پاره‌ای پدیدارهای اجتماعی عرضه کرده است. با اینکه تعاریف کهن و مدرن از امنیت کماکان از

۱. در مورد مفهوم «عموم» در حوزه امنیت و سایر مفاهیم ترکیبی آن، دیدگاه‌هایی مختلف وجود دارد. در این خصوص از جمله نک: (پرایس، ۸۲: ۲۵-۲۴)

2. Modern

3. Post-modern



وزانت و وجاهت برخوردارند، اما قیودی بر درجه اعتبار و مؤلفه‌هایشان وارد آمده که چیدمان‌های گذشته را برانداخته و صورتی جدید در این روند پردازش شده است: امنیت تنها جنبه سخت‌افزاری ندارد؛ تنها با مفهوم سنتی حاکمیت و قدرت سیاسی عجین نیست؛ تولید امنیت و فرایندهای تعریف نیازهای امنیتی از بالا به پایین نبوده و مشرب و چرخه‌ای دیکته‌ای ندارد، تکلیف به امنیت، به حق بر امنیت تبدیل و گستره نامحدود آن از اطلاق خارج شده است.

ب) جامعه‌شناسی انسانی امنیت

نیاز به امنیت که خود عنصر تعیین‌کننده در تعریف نوع و دامنه امنیت است، مقوله‌ای اجتماعی است. امنیت جنبه ذهنی صرف و محض ندارد، بلکه تابعی عینی است که از اوضاع اجتماع (در کلیت آن) و نوع و مقدار پدیدارهای نظم‌زدا نشأت می‌گیرد. تبعیت امنیت از مجموعه روابط جمعی هر واحد هویت‌دار اجتماعی، اثبات اجتناب‌ناپذیری «سیالیت و پویایی» امنیت در بستر زمان و مکان است. امنیت امری متافیزیک نیست بلکه از بطن اجتماع و محیط زیست انسانی برمی‌خیزد، شکل می‌گیرد، تهدید می‌شود و چهره عوض می‌کند.

در چنین پهنه‌ای از تحلیل اجتماعی و هستی‌شناسانه امنیت، ضرورت انسان‌شناسی امنیت نیز عرض اندام کرده و خود جلوه‌هایی خاص از این مقوله را به همراه داشته است: امنیت بیش از آنکه «از» و «برای» ساختارهای مجازی قدرت در اجتماع باشد، مولود روابط بین‌انسانی و ناظر بر فراهم‌سازی محیط و شرایطی است که بشر تعالی و کمال خود را از رهگذر مسیری که در اجتماع به روی وی گشوده شده، به مناسب‌ترین وجه دنبال کند. در این صورت، «امنیت انسانی» جایگزین یا عرصه‌ای موازی امنیت سنتی می‌شود که هم فلسفه و غایتی خودبنیاد^۱ دارد و هم هنجارها (نُرم‌ها) و بایسته‌هایی متفاوت به همراه می‌آورد.

– امنیت میکرو (خرد) و ماکرو (کلان)

بر پایه رهیافت میکروامنیت، تاریخ گواهی می‌دهد که نمی‌توان در عصر حاضر امنیت را تنها در مشرب‌های سنتی سخت‌افزارانه، آن هم تنها با نگاهی کلان، مورد توجه قرار داد، بلکه نگاه‌های خُرد و حتی ذره‌ای (به تعبیر پروفیسور مورن، «زیراتمی») یا مولکولی (مورن، ۱۳۸۴: ۹) نیز بسیار حایز اهمیت‌اند. صرف‌نظر



کردن از نقش انسان (اشخاص حقیقی) در پردازش چارچوب‌های امنیت و اکتفا به سازمان‌بندی‌های مبتنی بر تولیدات اعتباری انسان در گذار از اجتماعات ساده به جوامع بزرگ و در نهایت دولت مدرن سبب شد که امنیت «بیرون از انسان» تعریف و صیانت شود. اما در رهیافت‌های امروزی، امنیت بیش از هر چیز در «درون انسان» باید جست‌وجو شود. در نتیجه، امنیتی که صیانت از هویت زیست‌شناختی بشر را مد نظر قرار ندهد، امنیتی درجه دو و حاشیه‌ای است که گسست معنایی و کارکردی آن نیز در دوران معاصر مورد مذاقه و تشریح قرار گرفته است.

در بیانی عینی‌تر، تهدید امنیتی صرفاً ناظر بر نقطه تمرکز قدرت سیاسی و مجاری اعمال آن یا سازه‌ها و ساختارهای مادی و منابع طبیعی و سخت‌افزاری قدرت نیست، بلکه منابع انسانی قدرت ملی نیز نه تنها در این گردونه جای دارند، بلکه اساسی‌ترین جایگاه باید برای همین منابع در نظر گرفته شود.

– امنیت انسانی و نگرش بشردار

امنیت انسانی محصول تفکر حقوق بشری و بسط جوانب و آثار آن در محیط امنیت ملی است. اگر انسان در حقوق بشر مبناست، پس امنیت به عنوان ارزش نیز ناظر بر انسان‌هاست. طرفداران نظام حقوق بشر می‌گویند «نظام حقوق بشر معاصر دستاورد عقل جمعی انسان و انعکاس وجدان اخلاقی بشریت است» (سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۲۷). اما به یقین، اعتراض‌ها و مخالفت‌هایی جدی علیه این تفکر انفعالی در برابر حقوق ملی بین‌المللی شده‌ای که محصول صادرات و جهانی‌سازی ارزش‌هایی غیرجهانی است، وجود دارد. مخالفان حقوق بشر لاجرم باید این تفسیر از امنیت در قالب امنیت انسانی را دارای همان عوارض و تنگناهایی بدانند که نظریه عمومی حقوق بشر گریبان‌گیر آنهاست.

– امنیت انسانی محصول نظام حقوق بشر است.

– امنیت انسانی نتیجه اقدام و طرز کار سازمان ملل متحد است.

– امنیت انسانی مرجع امنیت را به گسترده‌ترین پهنای ممکن در جامعه

انسانی تعمیم می‌دهد.

– امنیت انسانی امنیت را مقوله‌ای فراتر از قیود ملی و سرزمینی می‌شمارد

و آن را جهانی می‌داند.

– امنیت انسانی برای انسان‌ها به مثابه حق و برای دولت‌ها به مثابه تکلیف

است. عدم ایفای این تکلیف موجب ایجاد امکان اعتراض و واکنش متقابل



بین‌الدولی می‌شود.

- امنیت انسانی مقدم بر هر قسم و لایه دیگر از امنیت ملی است. برنامه‌ریزی توسعه باید بر این محور استوار شود.

از این رو، باید در نظر داشت امنیت ابعاد حقوقی متفاوت، گوناگون و متکثری دارد. این ابعاد و موازین حاکم بر آنها به گونه‌ای که نظم‌های حقوقی، سیاسی و امنیتی در قالبی عام‌تر به نام نظم اجتماعی همسو شوند و مسیر واحدی را فراروی حرکت اجتماع و اعضای آن قرار دهند، بایسته‌ای است که چارچوب کلی حقوق امنیت ملی را در سطح اقدامی آکادمیک اما هدفمند و عمل‌گرا تعیین خواهد کرد.

ج) حقوقی کردن امنیت: گفتمان حقوق امنیت ملی

امنیت به دلیل اهمیت، بخش مهمی از تحقیقات و اندیشه‌های بشری را مصروف خود کرده است. با این حال، هنوز هم تعریف یا کارویژه‌های آن، خارج از اجماع است. مکاتب و اندیشه‌های فلسفی متعددی در این خصوص وجود دارد و ظرفیت گفتمان‌سازی در مورد آن هم‌چنان باقی است. از این رو هم گفتمان‌های امنیت ملی در حال دگرگونی و سیالیت‌اند و هم متأثر از تحولات در عناصر مهم زندگی بشر، مؤلفه‌ها و عناصری از این گفتمان‌ها پذیرای تغییر و دگرگونی می‌شوند. تحلیل حقوقی امنیت ملی، نمادی از همین دگرگونی‌هاست که در جست‌وجوی قاعده‌مند کردن امنیت ملی یا «حقوقی کردن امنیت» پس از قرن‌ها «امنیتی شدن حقوق» است.

عناصر امنیت ملی، مراجع صالح در وضع قواعد عام یا تعیین مصادیق خاص این امنیت، نحوه لایه‌بندی و ارزش‌گذاری این لایه‌ها از نظر تقدم و تأخر اعتباری، سازوکار نظارت بر اجرای این قواعد و تضمین عملی حصول اهداف آنها، طرز آشتی دادن امنیت زمامداری با زمام‌پذیری، تنظیم رابطه امنیت درون ملی و ملی با محیط فراملی، و مسائلی از این دست از جمله محورهای حقوق امنیت ملی محسوب می‌شوند.

با ملاحظه سیر تاریخی تحول در نگرش‌ها و رفتار عملی کشورها در قبال رابطه حقوق و امنیت، به نظر می‌رسد دست‌کم دو قرن از گرایش غالب به قانون‌گذاری و تدوین مجموعه واحد یا متکثر از «قانون امنیت ملی» می‌گذرد. این قانون که به اغلب محورهای فوق پاسخ کلی و قبلی داده، سند ارزیابی صحت رفتار مردم و ساختارهای امنیتی شده است. در هر حال، مسئله



این است که امروز تشخیص و تعیین مسائل امنیت ملی، از قواعد شفاهی گذر کرده و تحت پوشش حقوق موضوعه درآمده است. از این رو، شرح و تفسیر رابطه حقوق (مجموعه موازین موضوعه) با امنیت ملی در گسترده‌ترین معنای آن، خود روش و چارچوب پژوهش بین‌رشته‌ای است و برای آشنایی بیشتر نهادها و مراجع کشورمان با آن، این نوشتار به بررسی و تبیین عمده‌ترین محورهای آن می‌پردازد.

۲. بنیادهای حقوق امنیت ملی

در مقدمات حقوق که به منزله بیان ادبیات اولیه این حوزه است، هدف حقوق اساساً «تأمین و تضمین نظم، امنیت و منافع عمومی» تلقی می‌شود. از این منظر، هر قاعده از حقوق موضوعه، در اساس و فی‌نفسه یک مجرا و بنیاد در راستای ایجاد، برقراری و حفظ امنیت است که گاه در قالب مفهوم «نظم عمومی» نهادی حقوقی و ویژه به خود می‌گیرد. اما مقصود از این امنیت، امنیت عمومی و همگانی است. آنگاه که پای مقوله امنیت «ملی» به میان می‌آید، طرز پردازش قواعد و شرح و تفسیر هدف از حقوق دگرگون می‌شود. با اینکه حقوق اساساً متضمن قواعدی برای تأمین و تضمین امنیت ملی است، همه قواعد آن را نمیتوان به امنیت ملی به مفهوم دقیق آن که آستانه‌ای بالاتر از سایر سطوح امنیت اجتماعی دارد، نسبت داد.^۱

الف) تأثیرهای امنیتی تغییر مرجع امنیت

از آنچه در خصوص سیر دگرگونی در مفهوم امنیت بیان شد، برآیند و نتیجه‌ای واضح قابل دریافت است و آن تغییر مرجع امنیت از بازیگران حکومتی به شهروندان یا سهام‌شدن آنها در این روند است. تحول در دامنه و مفهوم امنیت و مرجع آن امری صرفاً نظری و آکادمیک نیست، بلکه بر وضعیت سیاسی و موازین حقوقی حاکم بر رفتار دولت‌ها در سطح داخلی و هم‌چنین در روابط بین‌المللی به شدت مؤثر است. با انسانی شدن دامنه امنیت، دامنه و برد اقدامات حاکمیتی دولت‌ها قبض و بسط می‌یابد: محدود می‌گردد بدان علت که این اقدامات نمی‌توانند با هدف تأثیرگذاری منفی بر امنیت انسانی یا منتج به این وضعیت صورتی قانونی و مشروع یابند؛ بسط می‌یابند از این حیث که دولت‌ها را نسبت به امنیت انسانی حساس می‌سازد و ممکن است حمایت از امنیت انسانی



۱- البته نگرش‌های اخیر متأثر از دیدگاه اومانستی، تکیه امنیت ملی را بر امنیت انسانی می‌دانند.

را به حق یا مسئولیتی حقوقی- بین‌المللی برای آنها تبدیل کند (نظیر مسئولیت حمایت).^۱

بنابراین، نقش حقوق در قبال امنیت روشن و واضح است. کارکرد و انتظار ذاتی از حقوق (نظام حقوق موضوعه) سامان دادن به روابط جمعی و تضمین نظم اجتماعی در گستره کلی آن است (نظم اجتماعی از طریق نظم حقوقی). بی‌نظمی و رفتارهای مغایر این نظم که در لسان جامعه‌شناختی به «آشفته‌گی اجتماعی» موسوم است، نتیجه عادی (و نه الزاماً طبیعی) کنش‌های متقابل اعضای اجتماع است. این رفتارها هرچه باشند، شکاف میان وضعیت موجود و بایسته اجتماع را بیشتر می‌سازند و گاه حیات اجتماع را به صورت جدی تهدید می‌کنند. سطحی از این رفتارها که به هسته و ستون‌های روابط جمعی صدمه می‌زنند، در مجموعه موازین حقوق داخلی و تحت عنوان اقدامات علیه امنیت ملی مطرح می‌شوند که متناسب با دسته‌بندی و تقسیم‌گونه شناختی، واکنش‌های کیفی و غیره با آنها صورت می‌گیرد. اما مجموعه‌های متفرق و پراکنده از حقوق موجود قادر نیستند ابعاد گوناگون امنیت در دوران معاصر را پوشش دهند (ساعد، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۹) و ضامن پیروی مجموعه رفتارهای اجتماعی از نظم حقوقی بر پایه امنیت متوازن^۲ باشند.

ب) کنش‌گری امنیتی حقوق بین‌المللی

در دوران معاصر، تنظیم دقیق مناسبات میان حقوق شهروندی و بشری و حقوق حاکمه دولت‌ها یا حقوق حکومت‌های راهبردی دارد. به دلیل فزونی اهمیت مقررات بین‌المللی درباره حقوق بشر و شهروند و همچنین گسترش اندیشه‌های مربوط به التزام دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه در راستای رفاه، امنیت و وضعیت مطلوب برای اعضای اجتماع (در قالب تئوری‌های دولت رفاه، دولت خدمت‌گزار، دولت مسئول و...)، اهمیتی دوچندان یافته است.

از یک سو، لازم است اقدامات دولت و نهادهای دولتی در داخل کشور و در روابط بین‌المللی در قبال افراد، با رعایت حداقل استانداردهای رفتاری باشد که در مجموعه موازین حقوق قانونی و فراقانونی مقرر شده است (یا حقوق موجود متناسب با این اندیشه‌ها، بازبینی گردد) و از سوی دیگر، دولت برای مقابله با

1. Responsibility to Protect

۲- امنیت متوازن الگویی برای تنظیم بسامان روابط حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی شهروندان با حقوق ناظر بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی است که در اصل نهم قانون اساسی کشورمان طرح‌ریزی شده است و تحلیل ابعاد آن را در مجال مناسب و نوشتاری مجزا پی خواهیم گرفت.



تهدیدهای جدیدی که در هزاره سوم میلادی یا ۱۴۰۰ شمسی بروز کرده و ممکن است در آینده نیز چهره‌های متفاوت‌تری به خود بگیرد، برنامه‌ریزی و اقدام و نظم اجتماع را با بهره‌گیری از نظم حقوقی روزآمد، تأمین و تضمین کند. گاه مرزهای غیرشفاف میان تعهدات نخست و حقوق اخیر دولت و نهادهای دولتی، وضعیت‌هایی حساس پدید می‌آورد که خود می‌تواند به نوعی بر امنیت ملی و بین‌المللی اثرگذار باشد.

خطیر بودن مجموعه‌ای با عنوان حقوق امنیت ملی آنجا به خوبی مشخص می‌شود که متأثر از تحولات دهه‌های اخیر، مرزهای سنتی میان شاخه‌های شناخته‌شده حقوق موجود (حقوق عمومی و خصوصی، داخلی و بین‌الملل) شفافیت سابق را از دست داده است. در عصر حاضر پدیده‌های مؤثر بر امنیت ملی و بین‌المللی به صورتی متنوع و متکثر و جاهت و عینیت یافته و نتیجه این پدیده‌ها، گسست ساختارها و بافت نظام بین‌المللی به ویژه هنجارهای حاکم بر این نظام است. این گسست، حقوق داخلی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده است، زیرا از حقوق داخلی و ملی غرب به عنوان ابزار متحول‌سازی نظام بین‌المللی یا واکنش به پدیده‌های بین‌المللی و هم‌چنین جهت دادن به رفتار ملی و حقوق داخلی سایرین استفاده شده و می‌شود. در محیط‌های سیاسی و جغرافیایی نظیر خاورمیانه، که محیط تنازع هویت‌هاست، (دهقانی، ۱۳۸۷: ۳۵۵) این تأثیرها و روندهای مبتنی بر آن به وضوح طی سال‌های اخیر رخ نموده است.

ج) چرا حقوق امنیت ملی؟

حقوق به مثابه مجموعه‌ای از موازین امری و دستوری عام، دائم و دارای ضمانت اجرای مادی، دارای دو حیات است: وضعیت وجودی و شکل‌گیری که برگرفته از اندیشه‌ها و فلسفه یا توجیه خاص خود خواهد بود و در منابع حقوقی ثبت و ضبط خواهد شد و هم‌چنین وضعیت اجرایی یا حیات علمی قواعد نوشته یا نانوشته که قواعد را از نوشته‌هایی روی کاغذ به عناصری تعیین‌کننده در رفتار اجتماعی تبدیل می‌کند.

– ماهیت و کارکردهای امنیتی حقوق موضوعه

با اینکه در این نوشتار مجال تشریح فلسفه حقوق نیست، با در نظر گرفتن اینکه تحلیل ما محدود به حقوق موضوعه (وضعی) است (see Einar Himma, 2009)، به صورت خلاصه می‌توان اوصاف و عناصر مرتبط



با شناخت اجمالی آن را با تکیه بر ماهیت و کارکردهایی که در اجتماع دارد، چنین خلاصه و بیان کرد:

- حقوق صرفاً نظامی از هنجارها و بخشی از علوم دستوری است.
- نظام هنجاری لازمه شکل‌گیری هر اجتماع است.
- نظام هنجاری بسته به نوع اجتماعات متفاوت است (هرچند نقاط مشترکی برگرفته از اشتراک ارزش‌های جهانی الهی و انسانی در آنها قابل مشاهده است).
- سازگاری و همگنی محتوای حقوق با ارزش‌های اجتماع، معیار اعتبار و آمرانه بودن اجرای آن است (The Nature of Law, 2011).
- حقوق تبلور همه عناصر اجتماع نیست اما شرط لازم آن است.
- برای تضمین حرکت متعالی هر اجتماع و برای حصول نظم و امنیت عمومی نیاز به حقوق، جدی و غیرقابل جایگزینی است.
- هدف اصلی حقوق ایجاد و تضمین نظم عمومی، امنیت جامعه و منافع عمومی است.
- روش حقوق تعیین مرز میان بایدها و نبایدهاست که به تعیین امور مجاز و ممنوعه منتهی می‌شود.
- تأثیرگذاری حقوق بر همه تابعان خود، اساساً یکسان است و در این خصوص، همه اعم از مردم و دولت، در برابر آن یکسان فرض می‌شوند.
- نسبت به ارتکاب ممنوعیت‌ها واکنش نشان داده می‌شود و این واکنش بسته به ماهیت و اثر اجتماعی هر ممنوعیت است. موارد دارای ارتباط وثیق با نظم عمومی با شدیدترین واکنش‌ها (تعقیب و مجازات) مواجه خواهند شد.
- امور مرتبط با امنیت داخلی و خارجی (در سطحی که در قوانین تصریح شود) مهم‌ترین موازین مرتبط با نظم عمومی تلقی خواهند شد. با این حال، در تفکر جدید حقوقی، این عرصه مختص به حقوق حکومت نبوده بلکه بسته به تعریف و مفهوم امنیت ملی، مرجع امنیت ملی از جمله امنیت و حقوق مرتبط با شهروندان هم در این عرصه جای دارند.

- ظرفیت‌های حقوق در خدمت امنیت ملی

حقوق امنیت ملی به عنوان بخشی از حقوق داخلی هر دولت باید ضمن بازبینی و بازتعریف مقوله‌ها و اولویت‌های امنیتی اجتماع داخلی و با در نظر گرفتن محیط بین‌المللی امنیت ملی، نه تنها اهمیت امنیت ملی را در قالب مجموعه‌ای جامع و به‌هم‌پیوسته مد نظر قرار دهد، و ایجاد، اصلاح و اعمال کند، بلکه باید



وضعیتی امن در اجتماع را برای حیات پایدار جامعه امن را برای جامعه‌ای رو به تعالی فراهم سازد.

با چنین نگرشی مبنی بر تجمیع نگرانی‌های بشری و دوام و بقای جامعه سیاسی، ضمن اولویت دادن به رفاه و امنیت انسان‌ها، بستر اندیشه‌ورزی برای شکل‌گیری حوزه‌ای جدید از مطالعات حقوقی بین‌رشته‌ای به نام «حقوق امنیت ملی» در برخی دولت‌ها به ویژه امریکای پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فراهم و با برنامه‌ریزی و تشویق دولت، تاکنون بیش از ۳۰۰ دوره در این خصوص برگزار شده است.

با درک اهمیت حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی در نظام حقوقی بین‌المللی و تأثیرهای کنشی و فعال آن بر نظم منفعل ملی، و هم‌چنین اهمیت و استلزامات امنیتی دولت که ناشی از بروز و ظهور تهدیدهایی جدید علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها و اعمال حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی است (برای نمونه نک: نیسن بام، ۱۳۸۱: ۸۷)، در حقوق امنیت ملی به سمت تجمیع دو امر مهم حرکت شده است و از این رو، حقوق امنیت ملی یک منظومه تجمیع‌کننده و ترکیبی متوازن است.

امنیت ابعاد حقوقی متفاوت، گوناگون و متکثری دارد. این ابعاد و موازین حاکم بر آنها به گونه‌ای که نظم‌های حقوقی، سیاسی و امنیتی در قالبی عام‌تر به نام نظم اجتماعی همسو شوند و مسیر واحدی را فراروی حرکت اجتماع و اعضای آن قرار دهند، بایسته‌ای است که چارچوب کلی حقوق امنیت ملی را در سطح اقدامی آکادمیک اما هدفمند و عملگرا تعیین خواهد کرد.

(د) رهیافت و مبنای نظری حقوق امنیت ملی

مطالعه دقیق و همه‌جانبه امنیت ملی (با در نظر گرفتن محیط نشو و نمای امنیت و محیط بین‌المللی آن) با مبنا قرار دادن رسالت حقوق موضوعه و کارکردهای نظم‌سازی آن، پاسخی به تحولات دهه‌های اخیر در ارتباط با مناسبات حقوق ملت و حقوق حکومت با تکیه بر امنیت است که البته هم بعد حقوق داخلی دارد و هم ابعادی از حقوق بین‌الملل را درمی‌نوردد. مباحثی که اخیراً درباره کنترل بهره‌گیری افراد و نهادهای مختلف از رسانه‌های گروهی نوشتاری، دیداری و شنیداری و هم‌چنین رسانه‌های فراگیری نظیر اینترنت مطرح شده است، روشن‌ترین نماد از مباحث حقوق امنیت ملی دوران معاصر است که تنها با نگرش جامع به حقوق امنیت ملی می‌توان برای آنها پاسخ حقوقی منتج به نتایج



کارآمد جست‌وجو کرد.

در واقع، وضعیت کنونی متضمن نوعی چالش در روابط خصوصی و عمومی است که هرچند امنیت ممکن است نقطه مشترک و تلاقی آنها باشد، نوع رفتار قانونی و مبتنی بر ضوابط حقوقی برای سامان دادن به روابط و مناسبات، تنها با تکیه صرف بر هنجارها و اندیشه‌های حقوقی گذشته میسر نیست. به همین دلیل، حل هر معضل و مسئله‌ای در این رابطه به درایت و اندیشه‌ای جامع نیازمند است و این درایت و اندیشه تنها با مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای میسر است و حقوق امنیت ملی می‌تواند با محور قرار دادن نظام حقوقی، گامی مناسب و پیشرو در این عرصه باشد و نیاز امروز کشورمان به تحلیل کارشناسانه و علمی مقوله‌های امنیت ملی را پاسخ دهد.

در این صورت سهیم کردن تفکر حقوق امنیت ملی به منظور تعمیق و سازمان دادن به شناخت علمی مسائل امنیتی با تأکید بر موازین حقوقی و نقش حقوق در رفع تهدیدها و فراهم‌سازی فرصت بهره‌گیری از فرصت‌ها در محیط داخلی و بین‌المللی، به نتایج کاربردی و تربیت نیروی متخصص برای پاسخ‌دهی به نیازهای امروز و فردای این مرز و بوم خواهد انجامید و تصمیم‌گیری‌های عام و خاص کشور را دقت و بنیادی نظام‌مند و همگرا خواهد بخشید.

خلاصه اینکه جامعه امروز ما همانند جوامع دیگر، با پاره‌ای از مسائل مهم و حیاتی اجتماعی روبه‌روست که مرکز ثقل آنها امنیت است. یعنی نتیجه این مسائل که ممکن است از نظر ارزشیابی راهبردی، در سطوح و آستانه‌های مختلفی اعم از امور مهم، حیاتی، معضل و نظایر آن باشند، بر امنیت ملی مؤثر است و وضعیت مطلوب جامعه اسلامی ایران (حال و آینده) خواه در مرحله وجودی یا ایجاد و کارکردی، به سامان دادن آنها بستگی تام دارد. در این صورت، حقوق موضوعه می‌تواند متعاقب شناخت دقیق دلایل و عوامل بروز مشکل، راه‌حل‌های مناسب را با در نظر گرفتن چارچوب حقوقی داخلی و بین‌المللی، چنان ترسیم کند که از کارکردهای دستوری به عنوان ابزاری برای تبدیل وضع موجود به وضعیت بایسته و هم‌چنین پیشگیری از بروز وضعیت‌های زیان‌بار برای ملت، دولت و مجموعه آنها استفاده شود و حقوق در خدمت امنیت و آرامش مجموعه کشور گامی بیش از پیش بردارد.

ه) اهداف حقوق امنیت ملی

کارکرد و انتظار ذاتی از حقوق (نظام حقوق موضوعه) سامان دادن به روابط



جمعی و تضمین نظم اجتماعی در گستره کلی آن است (نظم اجتماعی از طریق نظم حقوقی). بی‌نظمی و رفتارهای مغایر این نظم که در لسان جامعه‌شناختی به «آشفته‌گی اجتماعی» موسوم است، نتیجه عادی (و نه الزاماً طبیعی) کنش‌های متقابل اعضای اجتماع (ملی یا بین‌المللی) است. این رفتارها هرچه باشند، شکاف میان وضعیت موجود و بایسته اجتماع را بیشتر می‌سازند و گاه حیات اجتماع را به طور جدی تهدید می‌کنند. سطحی از این رفتارها که به هسته و ستون‌های روابط جمعی صدمه می‌زنند، در مجموعه موازین حقوق داخلی با عنوان «اقدامات علیه امنیت ملی» مطرح می‌شوند که متناسب با دسته‌بندی و تقسیم‌بندی گونه‌شناختی، واکنش‌های کیفری و غیره با آنها صورت می‌گیرد. اما مجموعه‌های متفرق و پراکنده از حقوق موجود قادر نیستند اهمیت و ابعاد گوناگون امنیت در دوران معاصر را پوشش دهند. خطیر بودن مجموعه‌ای با عنوان حقوق امنیت ملی، آنجا به خوبی مشخص می‌شود که متأثر از تحولات دهه‌های اخیر، مرزهای سنتی میان شاخه‌های شناخته‌شده حقوق موجود (حقوق عمومی و خصوصی، داخلی و بین‌المللی) شفافیت سابق را از دست داده است. در عصر حاضر پدیده‌های مؤثر بر امنیت ملی و بین‌المللی به صورتی متنوع و متکثر و جاهت و عینیت یافته و نتیجه این پدیده‌ها، گسست ساختارها و بافت نظام بین‌المللی به ویژه هنجارهای حاکم بر این نظام است. این گسست حقوق داخلی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده، زیرا از حقوق داخلی به عنوان ابزار به تحول واداشتن نظام بین‌المللی یا واکنش به پدیده‌های بین‌المللی استفاده شده و می‌شود.

از این رو، اهداف حقوق امنیت ملی و این چیدمان فکری و رویکرد جدید به مقوله‌های امنیتی با بهره‌گیری از مجاری و سازوکارهای متوازن حقوقی را می‌توان در دو حوزه کلی طبقه‌بندی کرد: اهداف شناختی، علمی و معرفت‌شناسی از یک سو و اهداف کاربردی از سوی دیگر.

– اهداف شناختی و معرفتی

شناخت امنیت در وضعیت مفهوم‌شناختی، تاریخی، جامعه‌شناختی، درک عناصر مؤثر بر بروز و ظهور پدیده‌های امنیت‌زدا و امنیت‌زا، ابعاد امنیت اعم از امور نظامی، غیرنظامی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ملی و بین‌المللی، بررسی و تعمیق در حقوق امنیتی موجود اعم از حقوق امنیت داخلی (اعمال مجرمانه



ارتكبابی علیه امنیت داخلی و حقوق كیفی ناظر بر آنها، حقوق نظامی و دفاعی، حقوق ناظر بر اجرای عملیات‌های نظم‌آفرینی داخلی اعم از نظامی، انتظامی و اطلاعاتی) و امنیت بین‌المللی (حقوق ملی مبتنی بر معاهدات بین‌المللی درباره امنیت بشری، مقامات حكومتی و دولت‌ها).

بدین ترتیب، عناصر و مبادی شكل‌گیری وقایع امنیتی به عنوان بخشی از وقایع حقوقی شناخته و بستر اندیشه حقوق امنیت ملی نیز فراهم خواهد شد. در این مرحله، مطالعه مقایسه‌ای و شناخت وضعیت سایر جوامع و سیستم‌های حقوقی نیز مد نظر قرار خواهد گرفت:

- استنتاج و شكل‌گیری مبانی و منابع فلسفی، دینی و ملی یک تفکر همگرا و متوازن برای پرداختن اصولی به مناسبات دولت و ملت، و تدوین مبانی حقوقی و دینی امنیت ملی و نحوه بهره‌گیری از موازین حقوقی به منظور تدوین راهبردهای امنیتی در حوزه‌های ملی و بین‌المللی؛

- طرح‌ریزی سازه‌های این تفکر در کشور و ایجاد و بازبینی ساختارها و هنجارهای مدیریت و كشورداری بر این اساس؛

- درك اهمیت و ارزش راهبردی امنیت ملی؛
- ارزشیابی حقوق موجود با در نظر گرفتن اوضاع و احوال زمانی و مكانی و بازتعریف مقوله‌های امنیتی مندرج در قوانین و مقررات و احراز قوت‌ها و ضعف‌ها در این خصوص؛

- استفاده از تجارب و مطالعات مشابه در سایر کشورها به منظور بهینه‌سازی روند تدوین قوانین و مقررات درباره امنیت ملی؛

- شناخت ابعاد حقوقی و تخصصی ناشی از تحولات جاری و احتمالی امنیت ملی؛
- شناخت و تحلیل آخرین دستاوردهای قانون‌گذاری داخلی و خارجی در حوزه امنیت ملی؛

- شناخت موازین و اسناد مهم بین‌المللی ناظر بر حقوق امنیت ملی؛

- آشنایی با سازمان‌های مسئول و مرتبط با حقوق امنیت ملی؛

- آشنایی با اطلاعات، داده‌ها و موضوعات تخصصی مربوط به تحولات جاری و احتمالی در حوزه امنیت ملی به منظور برقراری پیوند با مباحث جدی حقوق امنیت ملی.

با فراهم شدن و تقویت جنبه‌های نظری و فکری حقوق امنیت ملی می‌توان دستاوردها و نتایج عملی مناسب را انتظار داشت. مهم‌تر از همه اینکه با تربیت نیروهای متخصص، عملیاتی شدن محورهای مطالعه نظری در این رشته نیز



به بار خواهد نشست و همه نهادهای دولتی و عموم جامعه از تعمیق چنین مطالعاتی بهره‌مند خواهند شد.

– اهداف کاربردی

فراهم شدن فضایی برای گردهمایی متخصصان حقوق امنیت ملی و سهیم شدن آنها در روند تحلیل و برنامه‌ریزی و اقدامات مربوط به امنیت و تعمیق مبانی کارشناسی قوانین و مقررات در این موضوع به خصوص که جامعه امروز بیش از هر زمانی نیاز به چنین مجامعی را برای کمک به دستگاه‌های سیاست‌گذار احساس می‌کند. علاوه بر این، آموزش و تربیت نیروی متخصصی که با شناخت و نگرش جامع قادر است در نهادهای دولتی و غیردولتی به نیازهای امنیتی پاسخ دهد و با استفاده از دانش حقوقی کافی، قانون‌مداری را در مناسبات و روابط مردم و دولت که به مقوله امنیت مربوط می‌شوند، تضمین و تعمیق کند، به گونه‌ای که احترام به قواعد و هنجارهای حقوقی تحت تأثیر صرف مسائل امنیتی قرار نگیرد و هم حقوق و آزادی‌های فردی و هم حقوق اجتماعی چنان همساز شوند که نظم و نظام اجتماعی بهتر از پیش حاصل شود.

۳. مبانی و منابع حقوق امنیت ملی

حقوق به مثابه نظامی از هنجارها، دارای سازه‌هایی کمابیش قوام‌یافته و متقن است که بر این اساس، علت وجودی و منطق پدیداری هنجارها توجیه (در قالب مبنا) و از سوی دیگر، ماهیت و موجودیت آنها اثبات می‌شود (در قالب منابع). از این رو، مبانی حقوق ناظر بر شرح و بیان چرایی شکل‌گیری قواعد است و منابع نیز بر صورت‌بندی عینی و کجایی قواعد از نظر امکان ملاحظه، اثبات وجود، مراجعه و مشاهده آنها دلالت دارد.

پردازش هر مجموعه و گرایش یا شاخه حقوقی مستلزم مذاقه در همین مبانی و منابع است و از این رو، به مبانی و منابع حقوق امنیت ملی به صورت موجز و اختصاری خواهیم پرداخت.

الف) مبانی حقوق امنیت ملی

مبانی، شرح و توجیه فلسفه وجود قواعد است. در حقوق امنیت ملی نیز شکل‌گیری هنجارها و گرد آمدن بایسته‌ها و نبایسته‌ها در نظام موضوعه باید



از اندیشه و توجیهی برخیزد که منطق آن روشن و دارای سیاق و اسلوبی قابل دفاع باشد.

غالباً مبنای حقوق را در پرتو اراده (مکتب حقوق ذهنی و ارادی)، وقایع و پدیدارهای عینی (اصالت عین) تحلیل می‌کنند. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین شاخص برای پردازش مبنای حقوق امنیت ملی، مراجع امنیت ملی و است. همساز و متوازن کردن، مبنای فکری حقوق امنیت ملی را تشکیل می‌دهد.

ب) منابع حقوق امنیت ملی

منبع به معنای ماهوی آن، سرچشمه شکل‌گیری قواعد است و منبع صوری ناظر بر بخشی از این منبع است که پس از طی کردن مسیر از سرچشمه‌های ناپیدا و نامحسوس یا غیرمادی یکباره ظاهر و هم‌چون چشمه جاری می‌شود. منبع ماهوی حقوق امنیت ملی، نظام ارزش‌های عمومی (الهی و انسانی) و احساس و خرد جمعی است که موجبات الفت میان اعضای اجتماع و همکاری و همپیوندی میان آنها را فراهم می‌سازد و آنها را در سرنوشتی مشترک به هم پیوند می‌دهد. حقوق‌دانان سنتی با پرهیز از وارد شدن به این سرچشمه و ابعاد آن، صرفاً منبع را همان چشمه می‌دانند.

منابع حقوق را باید در دو گستره منابع ملی و منابع بین‌المللی دسته کرد. منابع ملی حقوق امنیت ملی عمدتاً همان منابع حقوق ملی هستند. بر این اساس، منبع حقوق امنیت ملی اسناد و مجموعه‌هایی است که با مراجعه به آن می‌توان قواعد ناظر بر این حوزه را ملاحظه کرد. در نظام مدرن امروزین، تصمیم‌های نهادهای حکومتی که در قالب «قانون اساسی، قوانین عادی، مصوبات قوه مجریه، تصمیم‌ها و رویه محاکم» نمود می‌یابد، منابع اصلی حقوق‌اند و عرف در کنار نظریات علمای حقوق به عنوان منابع و روش‌های فرعی و کمکی حقوق به حساب می‌آیند.

بنابراین، منابع مشروح و تفصیلی ملی حقوق امنیت ملی کشورمان عبارت‌اند از: موازین اسلامی (که بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، بر اصول خود قانون اساسی نیز تقدم دارند)؛ قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام؛ فرامین رهبری؛ قوانین عادی (مصوبات مجلس و مجمع تشخیص)؛ مصوبات شورای عالی امنیت ملی؛ مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ مصوبات هیأت وزیران؛ مصوبات شورای تأمین؛ تصمیم‌های محاکم؛ عرف و دکترین. البته این کلیت منابع بسته به نوع نظام‌های حقوقی کشورها تفصیل و تفاوت‌هایی خواهد داشت. علاوه بر این، باید معاهدات مصوب، قواعد عرفی بین‌المللی اعم از عرف‌های عام و خاص،



اصول کلی حقوقی و هم‌چنین رویه قضایی بین‌المللی را در ارتباط با مقوله‌های حاکمیت، حقوق و مسئولیت‌های دولت و افراد به ویژه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، منبع بین‌المللی حقوق امنیت ملی شمرد.

نتیجه‌گیری

امنیت در وضعیت معاصر ترکیبی از دو عنصر پویا و متحرک اما رقیب است. اهمیت دوام و بقای دولت‌ها و حکومت‌ها هم‌چنان به عنوان بخشی از هسته امنیت و نگرانی‌های امنیتی تلقی می‌شود که امنیت ملی را به سمت صرف حداکثر منابع ملی برای تضمین و صیانت از همین امر جهت می‌دهد. از طرف دیگر، امنیت نه تنها دامنه‌ای جدید به تلاش‌ها و برنامه‌های امنیتی داده است بلکه حدود و ثغور قانونی رفتار دولت‌ها را به گونه‌ای متفاوت از گذشته تبیین کرده و ضمن اینکه صیانت از وضعیت (به‌عنوان اعضای واقعی اجتماعات ملی و بین‌المللی) را در هسته سخت امنیت قرار داده بلکه آزادی عمل دولت‌ها را تنها در صورتی در قالب امنیت ملی قرار می‌دهد که با ملاحظات حقوق مردم در تباین قرار نگیرد.

در هر حال، در دوران معاصر تسهیلات فناوری و دانش بشری نه تنها زمینه‌های بهره‌گیری از برخی منابع برای حداکثرسازی الفت میان ملت‌ها را فراهم کرده است، بلکه پتانسیل‌های تهدیدزایی آنها علیه همدیگر و حداکثرسازی تهدیدهای سنتی را نیز به صورت برجسته در معرض دید افراد و گروه‌های سازمان‌یافته خشونت‌طلب (یا تروریستی) قرار داده است. در این صورت، حقوق امنیت ملی به عنوان بخشی از حقوق داخلی هر دولت باید ضمن بازبینی و بازتعریف مقوله‌ها و اولویت‌های امنیتی اجتماع داخلی و با در نظر گرفتن محیط بین‌المللی امنیت ملی، نه تنها اهمیت امنیت ملی را در قالب مجموعه‌ای جامع و به‌هم‌پیوسته مد نظر قرار دهد، و ایجاد، اصلاح و اعمال کند، بلکه باید وضعیتی امن در اجتماع را برای حیات پایدار جمعیت ملی و هم‌چنین جمعیتی امن را برای جامعه‌ای رو به تعالی فراهم سازد.

با چنین نگرشی مبنی بر تجمیع نگرانی‌های بشری و دوام و بقای جامعه سیاسی، ضمن اولویت دادن به سعادت و امنیت، بستر اندیشه‌ورزی برای شکل‌گیری حوزه‌ای جدید از مطالعات حقوقی بین‌رشته‌ای به نام «حقوق امنیت ملی» در برخی دولت‌ها فراهم شده و با برنامه‌ریزی و تشویق دولت تاکنون بیش



از هزار دوره آموزشی و پژوهشی در این خصوص در کشورهای مختلف و محافل گوناگون تحلیلی و آینده پژوهی برگزار شده است. پژوهش در حقوق امنیت ملی مبتنی بر بهره گیری از مطالعات و تحقیقات میان رشته ای برای ایجاد یک روش تفکر جدید و متوازن به منظور سامان دادن به مقوله های امنیتی معاصر است که با تکیه صرف بر اندیشه ها، تفکرها و روش های سنتی امنیتی نمی توان به حل و فصل قاطع و اثربخش آنها در محیط ملی و بینالمللی حال و آینده- آن هم محیط پرتلاطمی که نظریه های انسانگرا و حمایت از حقوق بشر و شهروند در آن به صورت طوفانی و تندباد در وزش است امید بست. پس امنیت ملی با منافع ملی عجین است. در این روند برقراری توازن و بازتعریف جامعه شناسانه امنیت ملی اولویت ها را باید بر اساس معیار حق، عدالت، صلح و منافع حیاتی و ثانویه (نک: رایبسنون، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۷) و همگانی اعضای اجتماع استوار کرد تا پایداری امنیت محقق و تضمین شود و حقوق امنیت ملی این معیارهای حق مدارانه را ارائه خواهد کرد.

منابع فارسی:

- برن، آگ و نیم کوف (۱۳۵۳)، زمینه جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس از ا.ح. آریانپور، تهران: دهخدا.
- پرایس، وینسنت (۱۳۸۲)، افکار عمومی، ترجمه علی رستمی و الهام میرتهامی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی، محمود (۱۳۸۷)، «خاورمیانه؛ آینه تنازع هویت ها»، راهبرد، ش ۴۷، تابستان.
- رایبسنون، پل (۱۳۸۹)، دانشواژگان امنیت بین المللی، ترجمه اداره کل مطالعات راهبردی، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- ساعد، نادر (۱۳۸۶) «آینده پژوهی و مبادی مطالعات بین رشته ای پیرامون حقوق امنیت ملی»، سیاست دفاعی، ش ۶۱، زمستان.
- ساعد، نادر (۱۳۸۷)، اسناد تاریخی ایران و حقوق بین الملل در روند قانون گذاری، تهران: خرندی.
- سید فاطمی، سید قاری (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۲)، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- متقی، ابراهیم (۸۶)، «ایران و امریکا در بستر تعاملات نرم افزاری قدرت و امنیت»،

نامه دفاع، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، ش ۱۵.
 - مورن، ادگار (۱۳۸۴)، *انسانیت انسان، هویت انسانی*، ترجمه امیر نیک بی و فائزه محمدی، نشر قصیده سرا، چاپ سوم.
 - نیسن بام، هلن (۱۳۸۱)، «حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات»، ترجمه و تلخیص از عباس ایمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۲، پاییز-تابستان.

منابع لاتین:

- The Nature of Law (2001), Stanford Encyclopedia of Philosophy, <http://plato.stanford.edu/entries/lawphil-nature/>.
- Einar Himma, Kenneth (2009), Philosophy of Law, Seattle Pacific University, <http://www.iep.utm.edu/law-phil/#SH1b>
- Dep. of Defense Dictionary of Military and Associated Terms, June 5, 2003.
- John Finnis (1980), *Natural Law and Natural Rights* (Oxford: Clarendon Press).

منابع برای مطالعه بیشتر

- Norton Moore, John et al. (2005), *National Security Law-- Documents* (2d edition, 2005), Carolina Academic Press.
- Sheldon I. Cohen (2005), "Security Clearance Changes and Confusion in the Intelligence Reform Act of 2004", *Journal of National Security Law & Policy*, Vol. 1, No. 2.
- Seth F. Kreimer, Torture Lite, (2005), "Full Bodied" Torture, and the Insulation of Legal Conscience, *Journal of National Security Law & Policy*, Vol. 1, No. 2.
- South Korean National Security Law, 25 February 1988, www.kimsoft.com/korea/nsl-kr.htm.
- W. Radman (1999), "New World Coming: American Security in the 21st Century: Major Threats and Implications", Sep. 15, www.fas.org/man/docs/nwc.htm.
- William C. Bankss, (1994), *National Security Law and the Power of the Purse*, Oxford Uni. Press, July.

